

اثر آموزش های مهارتی سازمان آموزش فنی و حرفه ای بر خلق کارآفرینانه ی کسب و کارهای خانگی توسط بانوان محلات کم برخوردار شهرستان دامغان

سمیرا خلیل نژادی^۱

چکیده

آموزش های فنی و حرفه ای نقش مهمی در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروهای ماهر مورد نیاز بازار کار در کشورهای مختلف جهان ایفا می کنند. این آموزش ها در کشورهای در حال توسعه نه تنها عهده دار تربیت نیروی کار مورد نیاز بخشهای مختلف اقتصاد این کشورها می باشند بلکه از طریق بسترسازی خوداشتغالی، به حل مشکل بیکاری نیز کمک می کنند در این راستا ارائه آموزش های هدفمند و برنامه ریزی شده توسط سازمان آموزش فنی و حرفه ای در مناطق محروم و کمتر توسعه یافته خصوصاً در بخش مشاغل خانگی و تقویت و توسعه فرهنگ کارآفرینی با استفاده از ظرفیت های موجود نقشی کلیدی را ایفا می نماید که در ساماندهی سکونتگاه های غیررسمی و بافت های فرسوده و ناکارآمد شهری و رفع ناپایداری آن ها، سال هاست در کانون توجه تصمیم سازان و دولت های مختلف قرار دارد و از این منظر به عنوان چالش نظام برنامه ریزی و مدیریت شهری به آن پرداخته شده است. راهبردهای بازآفرینی شهری منحصر به ساخت و ساز و اقدامات عملیات ساختمانی نیست بلکه اقدامات نرم افزاری، ترویجی و ایجاد مشارکت عمومی در اولویت قرار دارد. برنامه های بازآفرینی شهری به صورت مشخص در زمینه توانمندسازی جامعه هدف، آموزش و بالا بردن سطح آگاهی عمومی، مشارکت جویی مردم در برنامه های اصلاحی و بهبود زیرساخت های اجتماعی و خدماتی به صورت پررنگ وارد شده است. این پژوهش به طور کلی بررسی اثر آموزشهای مهارتی سازمان آموزش فنی و حرفه ای بر خلق کارآفرینانه ی کسب و کارهای خانگی توسط بانوان محلات کم برخوردار شهرستان دامغان می باشد. پس از بررسی چارچوب نظری و پیشینه پژوهش اقدام به طراحی پرسشنامه برای سنجش متغیرهای پژوهش گردید و سپس پرسشنامه بین نمونه های جامعه هدف توزیع و در نهایت تعداد ۱۴۶ پرسشنامه برای تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS انتخاب گردید. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها و رابطه بین متغیرهای پژوهش نشان داد که فرضیه پژوهش مورد تایید قرار گرفته است بدین معنی که آموزشهای مهارتی بر راه اندازی کسب و کارهای خانگی بانوان تاثیر مثبت و معنی داری دارد.

واژگان کلیدی: خلق کارآفرینانه ی کسب و کارهای خانگی، آموزشهای مهارتی، اقتصاد محلی، بانوان، جامعه (محلات کم برخوردار شهرستان دامغان)

^۱رئیس مرکز آموزش فنی و حرفه ای خواهران دامغان، دانشجوی ارشد مدیریت کسب و کار جدید

۱. مقدمه

تحولات و دگرگونی‌های نظام اجتماعی - اقتصادی عصر حاضر ناشی از پیشرفت شگرف علمی و تکنولوژیک است که به نوبه خود به دیدگاه‌ها و نیازهای جدید منجر شده است. از این رو تداوم حیات و بقا جوامع نیازمند ارائه راه‌ها و روش‌های جدید به منظور مقابله با مشکلات است. به همین دلیل کارآفرینی، نوآوری، ابداع، تولید محصولات جدید، فرایندها و روش‌های نوین از پیش ضرورت دارد (Karimi, Molamirzaei & Movahedi, ۲۰۱۶). کارآفرینی یک رفتار است، رفتاری که مبتنی بر قصد و اراده آگاهانه است (باقرصاد و زالی، ۱۳۹۲). در فرآیند تغییرات سریعی که به واسطه تکنولوژی‌های ارتباط در بستر اقتصاد مبتنی بر دانش ایجاد شده است، تفکر سنتی قدرت بازو، جای خود را به قدرت فکر و دانش داده است. مدیریت فکری انسان بیش از هر زمان دیگر از ارزش برخوردار شده است به گونه‌ای در برخی نظریه‌های دانشمندان، به این دوره‌ی زمانی "عصر کارآفرینی" اطلاق شده است. (جوادیان لنگرودی، کامرانی، کنفی، ۱۳۹۳). بیشتر بررسی‌های انجام شده بیانگر آن است که کارآفرینی و یا دست‌کم بخش‌های مشخصی از آن، قابل آموزش و فراگیری بوده و به همین دلیل آموزش می‌تواند به عنوان یک وسیله کلیدی برای بهبود پیامدهای کارآفرینی مانند نگرش، قصد و صلاحیت‌های کارآفرینی مورد توجه قرار گیرد (Martin et al, 2013).

امروزه در اغلب کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اهمیت بسیار زیادی پیدا کرده است و در برنامه ریزی توسعه کشورها نقشی راهبردی ایفا می‌کند. یونسکو درباره اهمیت این موضوع توضیح می‌دهد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای یک شرط لازم برای نگهداری ساختار پیچیده توسعه اجتماعی، اقتصادی و مدنی مدرن به شمار می‌رود. در ایران نیز آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به عنوان یکی از راهکارها و ابزارهای مهم در توانمندسازی سرمایه‌های انسانی و فراهم آوردن نیروی انسانی لازم برای بخش‌های مختلف و در سطوح متفاوت تخصصی است و در حال حاضر سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای به عنوان یگانه متولی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای غیررسمی در کشور، در دو بخش دولتی و غیردولتی در جهت ارائه مهارت‌های حرفه‌ای به جوانان علاقمند و جویای کار و شاغلین، فعالیت آموزشی دارد (دولت آبادی، شیخ‌الاسلامی، شیرمحمدی & ساعدپناه، ۱۳۹۳).

نقش اشتغال در پویایی زندگی انسان انکارناپذیر است و می توان آن را کانون ارتباطات انسان و اجتماع تلقی کرد. در جهت این پویایی بی تردید زنان به عنوان نیمی از جمعیت ، تأثیری مستقیم در توسعه جامعه دارند. در جامعه ای که مشارکت زنان در زمینه ی اشتغال و فعالیت های اقتصادی بیشتر باشد رفاه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود زیرا مشارکت زنان در بازار کار موجب کاهش نرخ باروری ، افزایش سطح تولید ، افزایش درآمد سرانه و در نتیجه ، باعث افزایش رفاه اجتماعی برای کل جامعه می شود. یکی از زمینه های مهم فعالیت اقتصادی زنان مشاغل خانگی می باشد. مشاغل خانگی به عنوان نوعی کسب و کار که با عضویت اعضاء خانواده در فضای مسکونی و در قالب یک طرح کسب و کار مجاز ، بدون مزاحمت و ایجاد اختلال در آرامش واحدهای مسکونی همجوار شکل می گیرد ، تعریف می شود و به عنوان راهکاری مهم برای ایجاد اشتغال و درآمد در سراسر جهان بویژه برای زنان بشمار می رود (آگهی ، میرک زاده ، تقی بیگی ، ۱۳۹۱).

از منابع حیاتی توسعه می توان به آموزش اشاره نمود که به جهت توانمندسازی انسان ها باید در دسترس آنها قرارگیرد. در عصر حاضر، جوامع برای ورود به چالش های آینده از موثرترین ابزار خود که همان آموزش است استفاده می کنند و اصولاً آموزش برای تمامی آنها پذیرفته شده است که در پرتو آن ، دنیای فردا شکل خواهد گرفت. آموزش های فنی و حرفه ای نقش مهمی در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروهای ماهر مورد نیاز بازار کار در کشورهای مختلف جهان ایفا می کنند. این آموزش ها در کشورهای در حال توسعه نه تنها عهده دار تربیت نیروی کار مورد نیاز بخشهای مختلف اقتصاد این کشورها می باشند ، بلکه از طریق بسترسازی خوداشتغالی ، به حل مشکل بیکاری نیز کمک می کنند در این راستا ارائه آموزش های هدفمند و برنامه ریزی شده توسط سازمان آموزش فنی و حرفه ای ویژه بانوان خصوصاً در بخش مشاغل خانگی و تقویت و توسعه فرهنگ کارآفرینی با استفاده از ظرفیت های موجود نقشی کلیدی را ایفا می نماید.

۲. ادبیات نظری موضوع و پیشینه پژوهش

۲-۱. مبانی نظری آموزش های فنی و حرفه ای

تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جوامع در قالب آموزش های فنی و حرفه ای از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفت. در پی پیشرفت های علمی

و صنعتی پس از جنگ جهانی دوم این آموزش به طور بی سابقه ای گسترش یافت، تا آنجا که توسعه برنامه های آموزش فنی و حرفه ای، از اهداف ملی بیشتر کشورها قرار گرفت و امروزه یکی از شاخص های موفقیت هر کشوری، توسعه آن در سه بخش صنعت، کشاورزی و خدمات محسوب می شود. توسعه این سه بخش نیازمند تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآمد در زمینه های فنی و حرفه ای است به همین دلیل، آموزش های فنی و حرفه ای اهمیت فزاینده ای یافته است (خواجه، عباسی، خوش فر، ۱۳۹۱).

آموزش های فنی و حرفه ای، انجام فعالیت هایی است که فرد را برای احراز شغل، پیشه و کسب و کار آماده می کند یا کارایی و توانایی وی را در انجام آن افزایش می دهد. این آموزش ها کسب مهارت ها را در زمینه فناوری تکنولوژی و علوم وابسته به همراه دانش های خاص مربوط به مشاغل بخش های مختلف اقتصادی و اجتماعی ارائه می دهند. گسترش آموزش های فنی و حرفه ای در کشورهای گوناگون، با هدف افزایش مهارت و توانایی افراد در جهت ایجاد اشتغال و درآمد شکل گرفته است (خالدی & رفعتی، ۱۳۹۱).

آموزش فنی و حرفه ای موجود سرمایه اختصاصی است، که به اتکای مهارت های کسب شده، دارندگان آن را برای بدست آوردن جایگاه های شغلی بیشتر آماده می سازد و همین بینش باعث گردیده است که بیشتر کشورهای جهان حتی در سیستم های تعلیم و تربیت آن ها از دیرباز و در کنار مقاطع تحصیلی آموزش های عمومی، آموزش فنی و حرفه ای نیز مورد نظر واقع گردند (مقصودی، ۱۳۹۳).

آموزش به ویژه آموزش های فنی و حرفه ای، وسیله ای در خدمت به نیازهای توسعه ای جامعه است. کشورهای زیادی این آموزش ها را بخشی از سیستم آموزش مدرسه ای رسمی خود کرده اند. آموزش فنی و حرفه ای در سطح متوسط اهداف بی شمار دارد، این اهداف شامل آموزش مهارت های محدود برای تربیت افرادی با مهارت های شغلی برای کار در شغل های خاص با دسته ای از شغل ها تا بالا بردن سطح آموزش عمومی می باشد (Mupinga, Burnett & Redmann, 2005).

آموزش فنی و حرفه ای یعنی مرتبط کردن آموزش با دنیای کار برای بهبود وضعیت اشتغال جوانان و کاهش میزان بیکاری که در این میان مرتفع ساختن هرچه بیشتر آموزش با نیازهای اقتصادی ضروری است چرا که عدم وجود ارتباط بین مباحث آموزشی و نیازهای اقتصادی و اجتماعی هر جامعه، تربیت نیروی انسانی کارآمد می باشد پس سازمان آموزش فنی و حرفه ای نیز یکی از

ای

مؤسسات تربیت کننده نیروی انسانی متخصص است ، چنان چه نظام آموزش فنی و حرفه‌ای ، هنرجویان دوره دیده‌ای داشته باشد که جایگاه روشن و مشخصی در بازار کار و نظام اشتغال نداشته باشند ، بخش عمده‌ای از سرمایه‌گذاری‌های شخصی و دولتی به بازدهی مطلوب منجر نمی‌شود و به نوعی به اتلاف سرمایه تبدیل می‌گردد. بنابراین با توجه به گرانی هزینه‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و برای جلوگیری از خسارت‌های مادی و معنوی لازم است که چگونگی رابطه این‌گونه آموزش‌ها و اشتغال افراد مهارت دیده مورد بررسی قرار گیرد (مقصودی، ۱۳۹۳).

۲-۲. مبانی نظری کسب و کارهای خانگی

اگر چه مفهوم کسب و کارهای خانگی قدمت دیرینه‌ای داشته ، اما در مورد تعریف آن هنوز اتفاق نظر کلی وجود ندارد. نقطه مشترک در تاکید بر خانه به عنوان محل اصلی و عمده کسب و کار می‌باشد. به طوری که تیپل (۲۰۰۶) معتقد است به کسب و کارهایی می‌توان عنوان خانگی اتلاق کرد که صرفنظر از اندازه و نوع آنها محل کار اصلی شان در خانه واقع باشد. اما نقطه تمایز و ابهام در تفاوتی است که میان کارکنان خانگی و کارآفرینان خانگی وجود دارد ، به این ترتیب که مشخص نیست بین فعالیت‌های افرادی که در استخدام و قرارداد یک شرکت یا موسسه مستقل بیرونی بوده ، اما دفتر کار و محل انجام وظایف آنها در خانه است با فعالیت‌های افرادی که در استخدام هیچ سازمانی نبوده و به طور مستقل برای ایجاد ارزش افزوده به کارهای تولیدی ، خدماتی و فروش می‌پردازند ، چه تفاوتی وجود دارد. در برخی تعاریف ارائه شده این دو مفهوم در هم آمیخته و کسب و کار خانگی نامیده شده‌اند. در حالی که کار خانگی مفهوم وسیعی است که صاحبان و اداره کنندگان کسب و کارهای خانگی را نیز شامل می‌شود (نجفی & صفا ، ۱۳۹۳).

کسب و کارهای خانگی عمدتاً به آن دسته از عملیات تجاری گفته می‌شود که در گام نخست در یک اقامتگاه خصوصی انجام شود و یا در یک بنیاد خانگی متمرکز باشد. کسب و کارهای خانگی معمولاً در بخش کسب و کارهای بسیار کوچک (کسب و کارهای کمتر از پنج کارمند) دسته بندی می‌شود. این نوع کسب و کارها همچنین به ویژگی‌های فردی شخص مالک کسب و کار ، وابستگی زیادی دارد. مالک کسب و کارهای خانگی در هر مورد خاص ، نیازها و انگیزه‌های متفاوتی برای اداره کسب و کار خود دارد (امیدی & چهار سوقی ، ۱۳۹۷).

مشاغل خانگی کارهایی هستند که به وسیله اعضای خانواده در محیط خانه صورت می‌گیرند و مزاحمتی برای همسایگان ایجاد نکنند. در محیط خانه فقط تولید کالا انجام می‌شود و عرضه، فروش و بازاریابی آن به خارج از محیط مسکونی انتقال می‌یابد (تقی بیگی، آگهی & میرک زاده، ۱۳۹۳).

کسب و کارهای خانگی پدیده جدیدی نیست، می‌توان گفت قدمت این کسب و کارها به ظهور مفهوم خانه و یکجانشینی بر می‌گردد. پس از انقلاب صنعتی به دلیل مرزی که بین کار و خانه کشیده شد، اهمیت آن کاهش یافت، اما در نتیجه تغییرات و تحولاتی که در فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی امروز به وجود آمده، باعث شد که به این کسب و کارها بیشتر توجه شود. در عصر حاضر با توجه به اهمیت و ضرورت کسب و کارهای خانگی، انسجام تازه‌ای بین کار و خانه ایجاد شد. این نوع کسب و کارها در حال گسترش هستند، سهم کسب و کارهای خانگی در بین کسب و کارهای جهان ۳۰ درصد است. این کسب و کارها در ایران نیز سابقه دیرینه‌ای دارند، بسیاری از صنایع دستی که امروزه هم وجود دارند، در منازل و محل سکونت افراد تولید می‌شده است. در تعریف کسب و کارهای خانگی ابتدا لازم است تفاوت کارکنان خانگی با کارآفرینان خانگی مشخص شود، کارآفرینان خانگی، خود مستقلاً یک فعالیت اقتصادی را راه اندازی می‌کنند و درباره تولید و ارائه خدمات و فروش محصولاتشان خودشان تصمیم می‌گیرند. درحالی که، کارکنان خانگی، ن‌ه‌تنها در استخدام سازمان بیرونی می‌باشند، بلکه تحت کنترل و نظارت آن سازمان هم قرار دارند. تنها تفاوت آن‌ها با کارکنان معمولی این است که محل کارشان در خانه می‌باشد. بر این اساس، کسب و کار خانگی را هر نوع فعالیتی که در آن فرد یا افرادی در محل زندگیشان بدون اینکه در استخدام یا مدیریتی دیگری باشند، مستقلاً و در جهت ایجاد ارزش افزوده به تولید، ارائه خدمات و فروش می‌پردازند. در جای دیگر کسب و کار خانگی طبق تعریفی که اخیراً توسط ماسون ارائه شده عبارت است از: هر واحد کسب و کاری که در فرایندهایی چون فروش محصولات و خدمات به بازار فعالیت دارد و توسط یک فرد مستقل یا همراه و یا در غیاب تعدادی نیروی کار اداره می‌شود. لازم به ذکر است که مدیر مالک از منزل مسکونی یا محل سکونت خود جهت اداره امور و اعمال فرآیندهای کاری استفاده می‌نماید (یعقوبی، منتظری، جزینی زاده & رحیمی، ۱۳۹۵).

نوع کسب و کار خانگی به مفهوم درآمدزایی و کسب و کار از طریق انجام فعالیت‌ها در منزل اشاره دارد. بر این اساس که زمینه‌های فعالیت‌های کسب و کار خانگی متعدد است و می‌توان بیش از ۱۰۰۰ تیپ شغلی در این حوزه طراحی کرد که برخی از آن‌ها را می‌توان در قالب تجربه‌های تا حدی

موفق در بستر سنتی جامعه یافت مانند رشته های هنری ، صنایع دستی و صنایع کشاورزی و برخی دیگر را می توان در مدل های جدید موجود در دنیا یافت و فضای مجازی می باشد ، از قبیل طراحی صفحات وب و IT مانند رشته هایی که در زمینه برنامه نویسی یا لوازم الکتریکی است (یعقوبی ، منتظری ، جزینی زاده & رحیمی ، ۱۳۹۵).

۴-۲. پیشینه پژوهش

تاکنون در خصوص نقش آموزش های مهارتی سازمان آموزش فنی و حرفه ای بر راه اندازی کسب و کارهای خانگی تحقیقات گسترده ای صورت گرفته است و این تحقیق نیز می تواند مبنایی برای تاثیر آموزش های مهارتی سازمان آموزش فنی و حرفه ای بر خلق کارآفرینان ی کسب و کارهای خانگی توسط بانوان به ویژه در محلات کم برخوردار در راستای رفع نیازهای مالی و کمک به اقتصاد این خانوارها به شمار آید. در خصوص راه اندازی این نوع از کسب و کارها تحقیقات صورت گرفته است که در ادامه به پاره ای از آن اشاره می گردد :

تقی پور (۱۳۹۸)، در پژوهشی تأثیر آموزش های فنی و حرفه ای بر توسعه مشاغل خانگی زنان با طراحی یک مدل مفهومی و یک پرسشنامه برای سنجش متغیرهای پژوهش اقدام و با توزیع پرسشنامه بین نمونه ها و انتخاب ۳۸۴ پرسشنامه برای تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و استفاده از آزمون مدل و فرضیات از مدلسازی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی (PLS - SEM) اقدام نمود. در نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها، مدل مفهومی و رابطه بین متغیرهای پژوهش نشان داد که فرضیه پژوهش در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفته شده است بدین معنی که آموزش های فنی و حرفه ای بر کسب و کارهای خانگی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

پفاژ ، عنایتی و محبوبی (۱۳۹۳) ، در پژوهشی با عنوان " تأثیر آموزش های فنی و حرفه ای مشاغل خانگی بر بهبود کسب و کار زنان استان گلستان " با پژوهش کاربردی و طرح آزمایشی مقدماتی پس آزمون برای جامعه مورد مطالعه (کل زنان شاغل در مشاغل خانگی در استان گلستان که حداقل یکی از دوره های آموزشی فنی و حرفه ای مشاغل خانگی را گذرانده باشند) که تعداد نمونه با روش تصادفی طبقه ای با مجموع ۲۲۳۷ نفر انتخاب و بر اساس جدول گرجسی و مورگان بررسی گردید. نتایج بدست آمده از پژوهش ، مشخص گردید که آموزش های فنی و حرفه ای مشاغل خانگی ارائه

شده در سه حوزه خدمات، صنعت و کشاورزی بر بهبود شاخص‌های کسب و کار، مشتمل بر ملاک‌های دانش، شایستگی و مهارت، مدیریت و بهره‌وری، نگرش، ایمنی و توجهات محیطی، ارتباطات و اقتصاد تأثیر داشته است.

آگهی، میرک زاده و تقی بیگی (۱۳۹۱)، در پژوهشی تحت عنوان "اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه مشاغل خانگی زنان روستایی در شهرستان اسلام‌آباد غرب" با استفاده از روش توصیفی-پیمایشی با جامعه آماری ۱۵۰۰۰ زن روستایی و ۵۰ کارشناس صاحب‌نظر در زمینه مشاغل خانگی براساس جدول مورگان و روش آلفای کرونباخ اقدام نمود که نتایج پژوهش آنها نشان داد که از دیدگاه زنان روستایی مهمترین متغیرهایی که باعث توسعه مشاغل خانگی می‌شوند عبارتند از: داشتن مهارت، تخصص و تجربه، انگیزه کسب استقلال بیشتر، معرفی و دیدار با الگوها و افراد موفق است اما مهم‌ترین این متغیرها از دید کارشناسان: برگزاری کلاس‌های آموزشی، برطرف نمودن نیازهای مالی زنان، ایجاد بازار محلی برای فروش محصولات است.

جاویدنیا، کوروش و جاویدنیا، مجتبی (۱۳۹۱)، در پژوهشی تحت عنوان "عوامل مؤثر بر گرایش زنان به مهارت‌آموزی در بخش مشاغل خانگی: مطالعه موردی در شهرستان گرمسار" با انتخاب ۵۰ نفر از متقاضیان مهارت‌آموزی به صورت تصادفی ساده و استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن به این نتایج دست یافتند که رابطه معناداری میان نیاز اقتصادی، افزایش استقلال و نگرانی از آینده با گرایش به مهارت‌آموزی در بخش مشاغل خانگی وجود دارد که عامل رفع نیازهای اقتصادی، مهم‌ترین عامل در گرایش زنان به مهارت‌آموزی در بخش مشاغل خانگی است.

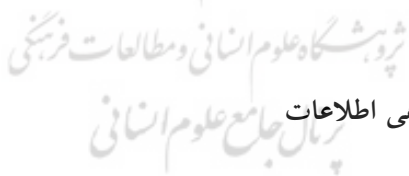
معمایی، ملامحمدی، یعقوبی ساردو (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان "تأثیر آموزش‌های مهارتی بر توانمندسازی زنان و افزایش مشارکت اقتصادی زنان جهت نیل به توسعه شهر پایدار" با گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه که روایی آن توسط کارشناسان و پایایی آن به وسیله فرمول آلفای کرونباخ تأیید گردیده بود و یافته‌ها در نرم‌افزار SPSS و آزمون T تحلیل و نتایج حاکی از آن بود که آموزش‌های مهارتی توانسته است سهم زیادی در توانمندسازی زنان خانه‌دار و همچنین اشتغال آنان در کسب و کارهای کوچک خانگی داشته باشد.

گرچی‌زاده، یعقوبی ساردو (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان "تأثیر آموزش‌های مهارتی بر توانمندسازی زنان و افزایش مشارکت اقتصادی زنان در راستای کاهش شکاف جنسیتی در ایران" با گردآوری اطلاعات و تحلیل به وسیله نرم‌افزار SPSS و آزمون T نتایج حاکی از آن است که توانمندسازی زنان خانه‌دار در نتیجه آموزش‌های مهارتی، موجب راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک خانگی،

ایجاد اشتغال و کارآفرینی و مشارکت اقتصادی و اجتماعی آنان شده است که علاوه بر افزایش عزت نفس در ایشان، موجب کاهش شکاف جنسیتی خواهد شد.

مولایاری و فراهانی (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان "کارآفرینی و کسب و کار خانگی (شهری و روستایی)" با استفاده از نرم‌افزار SPSS و تحلیل داده‌ها نتیجه گرفت که کسب و کار خانگی از نظر ایجاد شغل، نوآوری در عرضه محصول یا خدمات، رفع محدودیت‌ها، رفع بیکاری جوانان و... موجب تنوع و دگرگونی زیادی در اجتماع و اقتصاد هر کشور می‌شود. همچنین برای جوانان، زنان (خصوصاً خانه‌دار) کسب و کارهای خانگی شروع مناسبی برای راه‌اندازی کسب و کار شخصی و ثروت آفرینی است.

افروز منش و شمسایی (۱۳۹۳)، در پژوهشی تحت عنوان "بررسی تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای خراسان رضوی بر اشتغال مهارت‌آموختگان" به مطالعه و پژوهش پرداختند. هدف پژوهش نشان دادن تصویری از وضعیت اشتغال مهارت‌آموختگان سازمان با توجه به میزان اشتغال آنان است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که فرضیه اصلی پژوهش یعنی "آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر اشتغال مهارت‌آموختگان تأثیرگذار است" تأیید شده است بدین معنی که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر اشتغال مهارت‌آموختگان تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد و همچنین از میان عواملی که منجر به عدم اشتغال مهارت‌آموختگان شده است (کمبود فرصت شغلی، پایین بودن دستمزد، ضعف آموزش‌های مهارتی، عدم رغبت به شغل پیشنهادی و عدم سرمایه کافی) عامل کمبود فرصت شغلی نقش بیشتری داشته است.



۳. جمع‌آوری و سازمان‌دهی اطلاعات

۳-۱. روش تحقیق

مطالعه شرایط ساکنین (بانوان) محلات کم‌برخوردار شهرستان دامغان، می‌تواند اطلاعات جامعی درباره میزان تأثیرگذاری آموزش‌های مهارتی بر راه‌اندازی کسب و کارهای خانگی بانوان ارائه نماید و با توجه به اینکه این آموزش‌ها مستلزم صرف هزینه و زمان زیادی است، باید به دنبال شناخت مهارت‌های مورد نیاز بانوان این محلات به منظور ورود به بازار کار بود تا به نحو مناسب از منابع استفاده شود و موجب هدر رفت آنها نگردد.

این تحقیق از بعد هدف کاربردی و از بعد نحوه گردآوری اطلاعات به شیوهٔ پیمایشی است. جامعه ی مورد نظر بانوان متقاضی مهارت آموزی در سکونتگاههای غیر رسمی شهرستان دامغان می باشند.

۲-۳. جامعه آماری و حجم نمونه

برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده گردیده که سوالات شامل دو قسمت است :

۱- سوالات عمومی : در سوالات عمومی سعی شده است اطلاعات کافی و جمعیت شناختی در رابطه با پاسخ دهندگان جمع آوری گردد. این بخش شامل ۳ سوال (سن ، میزان تحصیلات ، وضعیت اشتغال) است.

۲- سوالات تخصصی : این بخش شامل ۲۷ سوال است. در طراحی این قسمت سعی گردیده است که سوالات پرسشنامه تا حد ممکن قابل فهم باشد. برای طراحی این بخش از طیف ۵ گزینه ای لیکرت استفاده گردیده است.

پرسشنامه ها در بین متقاضیان مهارت آموزی محلات کم برخوردار توزیع و پس از تکمیل ، اطلاعات توسط نرم افزار و با استفاده از آمار توصیفی (میانگین ، جداول ، نمودار فراوانی) و آمار spss آماری استنباطی (آزمون T) مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است. برای بررسی پایایی ابزار از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است ، که یکی از متداول ترین روش های اندازه گیری اعتمادپذیری و یا پایایی پرسش نامه هاست. منظور از اعتبار یا پایایی پرسشنامه این است که اگر صفت های مورد سنجش با همان وسیله و تحت شرایط مشابه و در زمان های مختلف مجدداً اندازه گیری شوند ، نتایج تقریباً یکسان حاصل می شود (زومبا ، ۲۰۰۷).

۴. بحث و نتیجه گیری

مطالعات گسترده در کشور های مختلف نشان می دهد که آموزش های مهارتی در تمامی کشورها بهترین و اثر بخش ترین نوع آموزش ها در توانمند سازی و مجهز ساختن افراد به فن ، مهارت خاص و آماده نمودن آنان برای اشتغال در محیط کار واقعی می باشد و همانگونه که می دانیم اقشار آسیب پذیر معمولاً فاقد مهارت و شایستگی لازم جهت اشتغال به کار می باشند لذا توانایی احصاء هیچگونه پست شغلی و یا فعالیتی در بازار کار ندارند و در نتیجه بدلیل عدم تامین منابع

ای

مالی دچار جرم شده و در نهایت صدماتی را به جامعه و خود وارد می نمایند. آموزش های فنی و حرفه ای در شرایط کنونی برای اقتصاد و فرهنگ ایران و به ویژه شتاب دهی به فرایند تولید امری حیاتی است. چراکه از ضرورتها و الزامات رشد و توسعه اقتصادی، توسعه سرمایه های انسانی است. در این میان آموزش های فنی و همچنین نظام آموزشی برای ایجاد مهارتهای لازم فنی و هنری نقش بسیار مهمی در تربیت نیروی انسانی کارآمد و علی الخصوص افزایش توان اقشار آسیب پذیر ایفا نموده و نگاهی توسعه ای دارد. رشد شهرنشینی در سال های اخیر مقوله ای است که همگام با فناوری بسط یافته و در این راستا برخی بافت های فرسوده و حاشیه ای نیز در روند موزون شهری متولد شده که حاصل برخی غفلت ها در مدیریت شهری بوده است که با عنایت به این موضوع که سکونتگاه های غیررسمی شهرها از دغدغه های جدی مسئولان و تصمیم سازان اجرایی و اجتماعی است که علاوه بر ناموزونی چهره شهرها، پیامدهای آسیب زا و معضل ایمن نبودن این سازه ها را با خود دارند. ساماندهی سکونتگاه های غیررسمی و بافت های فرسوده و ناکارآمد شهری و رفع ناپایداری آن ها سال هاست که در کانون توجه تصمیم سازان و دولت های مختلف قرار دارد و از این منظر به عنوان چالش نظام برنامه ریزی و مدیریت شهری به آن پرداخته شده است. راهبردهای بازآفرینی شهری منحصر به ساخت و ساز و اقدامات عملیاتی ساختمانی نیست بلکه اقدامات نرم افزاری، ترویجی و ایجاد مشارکت عمومی در اولویت قرار دارد. برنامه های بازآفرینی شهری به صورت مشخص در زمینه توانمندسازی جامعه هدف، آموزش و بالا بردن سطح آگاهی عمومی، مشارکت جویی مردم در برنامه های اصلاحی و بهبود زیرساخت های اجتماعی و خدماتی به صورت پررنگ وارد شده است. توانمندسازی افراد در این مناطق از تمامی جهات فرهنگی، امنیتی، اقتصادی و آموزشی مهم است چرا که هر جامعه ای با مشارکت درون گروهی می تواند آسیب ها و کاستی هایش را ترمیم کند. بهبود مولفه های رفاهی و اجتماعی زندگی ساکنان مناطق حاشیه ای و بافت های فرسوده و تقویت سواد فرهنگی و مهارتی در کنار مشارکت جویی آنان در امور خود به صورت هدفمند در برنامه های بازآفرینی شهری و سند سکونتگاه های غیررسمی دیده شده است.

شایان ذکر است هدف از آموزشهای فنی و حرفه ای، توانمند سازی شغلی و حرفه ای افراد جویای کار در معرض آسیب های اجتماعی و افزایش توانایی های دانش، مهارت و قدرت درک افراد و انجام مطلوبتر کار در محدوده وظایف شغلی است. از آنجایی که موضوع بیکاری یکی از مهمترین

مسائل و مشکلات جهان است و در کشورهای در حال توسعه با توجه به عدم توازن ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی سهم بیشتری را در ممانعت از توسعه دارد و با توجه به اینکه یکی از دلایل بیکاری در کشورها، فقدان مهارت‌های مورد نیاز بازار کار، از سوی جویندگان کار و اقشار آسیب پذیر بوده و این عامل به عنوان محوری ترین مسئله در بروز پیامدهای حاصل از آسیب های اجتماعی و پیدایش جرم و بزه می باشد، انتظار می رود نقش آموزش های مهارتی در توانمندسازی، شکوفایی استعدادها جهت کارآفرینی متناسب با نیازهای بازار کار و به تبع آن کاهش آسیب های اجتماعی ناشی از بیکاری پر رنگ تر گردد. ارائه آموزش های مناسب و هدفمند بسیار حائز اهمیت بوده و جهت ایجاد اشتغال و فراهم سازی اشتغال پایدار و مولد، ارائه دوره های آموزشی فنی و حرفه ای بسیار کارساز خواهد بود.

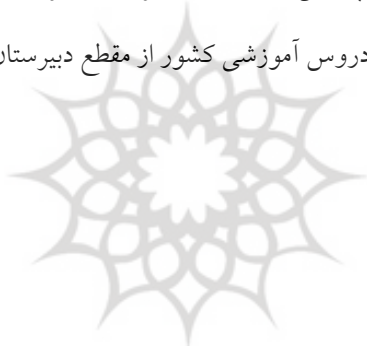
لذا در این پژوهش با هدف اصلی اثر آموزش های مهارتی سازمان آموزش فنی و حرفه ای بر خلق کارآفرینانه ی کسب و کارهای خانگی توسط بانوان محلات کم برخوردار شهرستان دامغان، ابتدا به جمع آوری و مرور ادبیات و پیشینه های مرتبط با موضوع پرداخته و بر اساس چارچوب نظری و پیشینه، مورد بررسی قرار گرفته شده و یک پرسشنامه جهت جمع آوری داده ها ساخته و در بین جامعه مورد نظر توزیع نموده است. پس از جمع آوری داده های به تجزیه و تحلیل آنها با استفاده از نرم افزار SPSS پرداخته که نتایج به دست آمده حاکی از آن است که آن است که آموزش های فنی و حرفه ای بر خلق کارآفرینانه ی کسب و کارهای خانگی تاثیر مثبت و معنی داری دارد که این نتیجه با نتایج حاصل از پژوهش های معمایی، ملامحمدی و یعقوبی ساردو (۱۴۰۰)، تقی پور (۱۳۹۸)، افروز منش و شمسایی (۱۳۹۳)، پفاژ، عنایتی و محبوبی (۱۳۹۳)، آگهی، میرک زاده و تقی بیگی (۱۳۹۲) همخوانی دارد.

در مجموع، نتایج پژوهش نشان داد که توسعه کسب و کارهای خانگی در کشور (به ویژه محلات کم برخوردار) با موانع و چالش های متعددی مواجه می باشند که بر این اساس و در راستای رفع مشکلات و چالش های موجود و در نتیجه توسعه مشاغل خانگی بانوان و گسترش آموزش های مهارتی، راهکارها و پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه می گردد:

- توجه سیاستگزاران بالاخص در آموزش های فنی و حرفه ای به مقوله استانداردها و فراهم کردن بستر انگیزشی به راه اندازی کسب و کارهای خانگی و حمایت های مختلف از آن و ترویج این آموزه ها در سطح آمایش سرزمین

ای

- فراهم ساختن بستر مناسب برای شناسایی و طبقه‌بندی کسب و کارهای خانگی بر اساس گستردگی و تنوع آن در سطح کشور و مناطق کم‌برخوردار و رونق بخشی به تحرک محصولات آن
- پررنگ‌تر نمودن سیاست واگذاری خدمات و ترغیب کارآفرینی و آموزشهای لازم بالاخص در موضوعات کارآفرینان مستقل و خانگی و کسب و کارهای کوچک توسط دولت
- معرفی بازارهای موفق جهت خرید و فروش محصولات به بالاترین و بهترین قیمت به زنان کارآفرین در محلات کم‌برخوردار
- حضور مشاوران و بازاریابان در کارگاههای کسب و کار خانگی بانوان در راستای ارائه خدمات مشاوره‌ای به منظور تولیدات و فروش محصولات مورد نیاز بازار
- حمایت دولت در توسعه انواع پوشش‌های بیمه‌ای برای کارآفرینان کسب و کارهای خانگی
- گنجاندن آموزشهای مهارتی در دروس آموزشی کشور از مقطع دبیرستان تا پایان تحصیلات تکمیلی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

۱. امامی میبدی، علی (۱۳۸۳). "بازار کار ایتالیا و زمینه‌های فرستادن نیروی کار به آن کشور". نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۲۰۴-۲۱۳.
۲. افروز منش، ا؛ شمسایی، ح (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای خراسان رضوی بر اشتغال مهارت‌آموختگان". نشریه مهارت‌آموزی، ۵۵ - ۶۵.
۳. امیدوی، س؛ چهارسوقی، ح (۱۳۹۷). "نقش کسب و کارهای کوچک خانگی در کاهش فقر خانوارهای روستایی شهرستان مهران". فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه کشاورزی، ۱۶۷-۱۸۱.
۴. آگهی، ح؛ میرک زاده، ع؛ تقی بیگی، م (۱۳۹۱). "اولویت بندی عوامل مؤثر بر توسعه مشاغل خانگی زنان روستایی در شهرستان اسلام آباد غرب". فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، ۱۸۱-۲۰۲.
۵. آگهی، ح؛ میرک زاده، ع؛ تقی بیگی، م (۱۳۹۳). "بررسی موانع و راهکارهای مناسب توسعه مشاغل خانگی روستایی شهرستان اسلام آباد غرب". پژوهش‌های روستایی، ۲۸۳-۳۱۰.
۶. پفاژ، ابراهیم؛ عنایتی، ترانه؛ محبوبی، محمد رضا (۱۳۹۳). "تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مشاغل خانگی بر بهبود کسب و کار زنان استان گلستان". نشریه مهارت‌آموزی.
۷. تقی پور، سروگل (۱۳۹۸). "بررسی تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توسعه مشاغل خانگی زنان". فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی.
۸. جاویدنیا، کوروش و مجتبی (۱۳۹۱). "عوامل مؤثر بر گرایش زنان به مهارت‌آموزی در بخش مشاغل خانگی: مطالعه موردی در شهرستان گرمسار". فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی شماره ۱۷، دوره ۶.
۹. جوادیان لنگرودی، محبوبه؛ کامرانی کنفی، محمد (۱۳۹۳). "لزوم نوآوری در کارآفرینی سازمانی". اولین کنفرانس بین‌المللی لقتصاد، مدیریت، حسابداری و علوم اجتماعی.
۱۰. خواجه، ع؛ عباسی، م؛ خوش‌فر، غ (۱۳۹۱). "بررسی میزان اثر بخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اشتغال نیروهای آموزش دیده استان گلستان". فصلنامه مهارت‌آموزی، ۱۰۳-۱۱۶.
۱۱. خالدی، م؛ رفعتی، م (۱۳۹۱). "مقایسه اثر بخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اقتصاد و توسعه کسب و کار". فصلنامه مهارت‌آموزی، ۷۱-۸۵.
۱۲. دولت‌آبادی، س؛ شیخ‌الاسلامی، ص؛ شیرمحمدی، م؛ ساعد پناه، ک (۱۳۹۳). "ارزیابی عملکرد آموزشی مراکز دولتی اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای کردستان در مقایسه با شاخصهای جمعیت و فعالیت در بخش زنان". تهران: سازمان آموزش و فنی حرفه‌ای کشور.

۱۳. قیصری، وحید؛ طالبی، کامبیز؛ ایمانی پور، نرگس (۱۳۹۴). "نقش تفکر کارآفرینانه بر راهبردهای رشد در کسب و کارهای کوچک و متوسط". نشریه توسعه کارآفرینی، ۱۹۵-۲۱۴.

۱۴. گرجی‌زاده، فریبا؛ یعقوبی ساردو، رضا (۱۳۹۸). "تأثیر آموزش‌های مهارتی بر توانمندسازی زنان و افزایش مشارکت اقتصادی زنان در راستای کاهش شکاف جنسیتی در ایران". سومین کنگره بین‌المللی علوم و مهندسی.

۱۵. مجیدی، جهانگیر (۱۳۸۱). "کارآفرینی در کشورهای اروپایی با تأکید بر ایتالیا". مجله سیاسی، اقتصادی روزنامه اطلاعات، ۱۱-۱۹.

۱۶. مقصودی، ف (۱۳۹۳). "نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رسمی و غیر رسمی بر اشتغال". ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، ۴۰-۴۷.

۱۷. معمایی، ندا؛ ملامحمدی، مجید؛ یعقوبی ساردو، رضا (۱۴۰۰). "تأثیر آموزش‌های مهارتی بر توانمندسازی زنان و افزایش مشارکت اقتصادی زنان جهت نیل به توسعه شهر پایدار". دهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و توسعه.

۱۸. مولایاری، محمد حسین؛ فراهانی، یوسف (۱۴۰۰). "کارآفرینی و کسب و کار خانگی (شهری و روستایی)". پنجمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات جهانی در علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی.

۱۹. مرکز پژوهش‌های اتاق ایران (۱۴۰۰). "ترجمه گزارشی بهبود محیط کسب و کار در چین". پایگاه خبری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران.

۲۰. مخبریان فر، مصطفی (۱۴۰۰). "کتاب هر خانه یک کارخانه". انتشارات: آوای چلچله.

۲۱. نجفی، ب؛ صفا، ل (۱۳۹۳). "بررسی کسب و کارهای خانگی کارآفرینانه و موانع و چالش‌های توسعه آنها در مناطق روستایی". نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۶۱-۷۳.

۲۲. یعقوبی، ر؛ منتظری، ش؛ جزینی‌زاده، ا؛ رحیمی، ف (۱۳۹۵). "تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با تکیه بر اقتصاد کوچک خانگی بر اشتغال زنان و بهبود کیفیت تولیدات داخلی در راستای تحقق شعار اقتصاد مقاومتی (مطالعه موردی: شهرستان کهنوج)". پنجمین همایش ملی و چهارمین همایش بین‌المللی مهارت‌آموزی و اشتغال، ۱-۱۱.

۲۳. Karimi, S; Molamirzaei, E; Movahedi, R (2016). "the impact of entrepreneurship education and its benefits on entrepreneurial intention of agricultural students in west Iran Universities". Journal of Agricultural Education Administration Research, 38, 51 – 56. (Persian)

۲۴. Mupinga, D; Burnett, M & Redmann, D (۲۰۰۵). "Examining the purpose of technical education in Zimbabwes high schools". International Education Journal, 75-83.

25-Martin, B. C ; McNally, J. J ; Kay, M. J (2013). “ Examining the formation of human capital in entrepreneurship : A meta – analysis of entrepreneurship education outcomes” . Journal of Business Venturing , 28 (2) , 211 – 2240 .



شیراز، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی